

دوفصل نامه علمی - ترویجی سیره پژوهی اهل بیت علیهم السلام

سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

صفحات ۸۹ - ۱۰۲

رویکردهای فرا بشری در کتاب‌های دلائل نبوی صلی الله علیه و آله

مجتبی گراوند^۱

مهناز کوهی^۲

محمدعلی چلونگر^۳

چکیده

بررسی شخصیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله از مهم‌ترین موضوعات در تاریخنگاری اسلامی بوده است که در مباحث سیره و مغازی مورد توجه مورخان و محدثان اسلامی قرار گرفته است. این موضوع از نیمه دوم قرن دوم هجری، به صورت مستقل و با عنوان «دلائل النبوه» مورد توجه نویسندگان مسلمان قرار گرفت. در نگارش کتاب‌های «دلائل النبوه» با هدف دفاع از شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر شبهاتی که بروز کرده بود، به معرفی معجزات و نشانه‌های پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله پرداخته می‌شود. سؤال اصلی پژوهش این است که دلائل نگاری چیست و چه مؤلفه‌هایی دارد؟ پژوهش حاضر ضمن بررسی جایگاه این آثار در تاریخنگاری اسلامی، با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی چگونگی پیدایش آنها و بررسی محتوای کتب دلائل می‌پردازد. بر این اساس از مهم‌ترین نشانه‌های پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله که در آثار دلائل نگاری به آنها اشاره شده می‌توان به بشارات انبیای گذشته به پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله، ارهاصات و معجزات آن حضرت اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: ارهاصات، اعلام النبوه، دلائل النبوه، سیره پیامبر صلی الله علیه و آله، معجزات.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول). garavand25@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه لرستان. mahnazkoochi@yahoo.com

۳. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان. m.chelongar@ltr.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۱۰

درآمد

تاریخننگاری اسلامی از قرن دوم هجری توسط محدثان آغاز شد. آنچه محدثان را به این سمت سوق داد، علاقه و توجه به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله بود. با فاصله گرفتن از رحلت آن حضرت و درگذشت تدریجی کسانی که وی را از نزدیک درک کرده بودند، نگارش سیره نبوی و ثبت الگوی کلامی و رفتاری ایشان بیشتر مورد توجه قرار گرفت. به این ترتیب، ابتدا مجموعه‌های حدیثی به وجود آمدند و سپس گرایش به نوشتن سیره و مغازی در بین نویسندگان مسلمان پدید آمد.

با گسترش روزافزون جامعه اسلامی، علاوه بر افزوده شدن سرزمین‌های جدید به قلمرو اسلام، افکار و اندیشه‌های گوناگونی نیز وارد جامعه اسلامی شد. از این رو، معتقدات اسلامی در معرض تهاجم افکار مختلفی قرار گرفت. به این ترتیب مسلمانان به مقابله با افکار تهاجمی پرداختند و کتاب‌هایی در اثبات اصول دین، به ویژه نبوت، تدوین کردند. در این میان آثاری با عنوان دلائل النبوه و نظایر آن با هدف کلی اثبات نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله بر اساس معجزات و نشانه‌های پیامبری ایشان به نگارش درآمد.

پیشینه پژوهش

دلائل‌نگاری به عنوان گونه‌ای از تاریخ‌نگاری اسلامی چندان مورد توجه قرار نگرفته است اما به طور پراکنده در برخی از کتاب‌های تاریخ‌نگاری به آن اشاراتی شده است. برای نمونه سخاوی (۱۴۱۳) در *الأعلان بالتبویخ لمن ذم اهل التاریخ* که فهرست مفصلی از کتاب‌های تاریخی مسلمانان را ارائه می‌دهد، از کتاب‌های دلائل النبوه و أعلام النبوه به عنوان یکی از شاخه‌های کتاب‌های سیره نام می‌برد. صادق آیینه‌وند (۱۳۷۷ ش) نیز در جلد دوم کتاب *علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی*، آنجا که به معرفی انواع کتب تاریخی در تمدن اسلامی می‌پردازد، برخی از نویسندگان دلائل النبوه و أعلام النبوه را معرفی می‌کند. جعفریان در کتاب *منابع تاریخ اسلام* (۱۳۷۶ ش) و نیز در صفحات آغازین *تاریخ سیاسی اسلام* (۱۳۸۵ ش) که به منابع تاریخ اسلام می‌پردازد با اشاره به کتاب‌های دلائل النبوه، توضیحاتی کوتاه در این زمینه ارائه می‌دهد. ملاک محمدثابت عبدالحمید (۲۰۱۶) در مقاله «معجزات النبی (دراسة فی کتب الدلائل و الشمائل)» پس از توضیحاتی در مورد مفهوم نبی، نبوت و معجزه، به برخی از معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخته است. البته منابع اصلی او در این پژوهش کتاب‌های سیره و تاریخ اسلام است. خانجانی (۱۳۸۱ ش) نیز در مقاله «دلائل‌نگاری در سیره نبوی» با اشاره به کتاب‌های

دلائل، بعضی از آنها را معرفی کرده و با نگاهی به محتوای برخی از آنها، ویژگی‌های این کتاب‌ها را به طور مختصر بیان می‌کند. مهناز کوهی (۱۳۸۹ ش) در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «تاریخننگاری دلائل در سیره رسول خدا ﷺ»، نگاهی به کتب دلائل نگاری تا قرن ششم هجری داشته است.

پژوهش حاضر ضمن پرداختن به رویکردهای فرابشری در کتب دلائل نگاری نبوی ﷺ نگاهی گذرا به جایگاه دلائل نگاری در آثار مربوط به سیره نبوی ﷺ داشته و مؤلفه‌های دلائل نگاری نبوی ﷺ را مورد بررسی قرار داده است. منابع اصلی در انجام این مقاله، آثار دلائل بوده که با عنوان دلائل النبوه، اعلام النبوه، اثبات النبوه، تثبیت دلائل النبوه و مانند اینها شناخته می‌شوند. این پژوهش برای پاسخ به این پرسش شکل گرفته است که دلائل نگاری چیست و چه مؤلفه‌هایی دارد؟ روش تحقیق در انجام این پژوهش بر مبنای منابع کتابخانه‌ای و با تکیه بر منابع دست اول به شیوه تحلیلی-توصیفی است.

سیره‌نگاری در تاریخنگاری اسلامی

اولین گامی که پس از اسلام در تاریخ‌نویسی برداشته شد، نگارش سیره و مغازی بود. تاریخنگاری اسلامی از ابتدا مسیر خود را در دو جهت اساسی پیمود که هر یک به دلیل وی‌ژگی‌ها و خصوصیات متمایزشان یک مکتب تاریخنگاری قلمداد می‌شوند. اختلاف این دو مکتب در شیوه تدوین اخبار، روش تاریخنگاری و شکل نقل، تدوین و مضمون این آثار است. مکتب اول در مدینه و دیگری در عراق پا گرفت (سجادی و عالم زاده، ۱۳۸۰: ۴۷).

مکتب حدیثی مدینه را باید نخستین مکتب تاریخنگاری، یعنی سیره‌نگاری و مغازی نویسی به شمار آورد. مدینه، مرکز حکومت اسلامی از زمان پیامبر ﷺ تا خلیفه چهارم بود. مدینه، شهر صحابه و نقطه اوج‌گیری قدرت دینی و سیاسی اسلام بود. اولین توجهات به رفتار و گفتار پیامبر اکرم ﷺ به شکل حدیث‌نویسی و سیره‌نویسی در اینجا آغاز شد. مغازی در سیره رسول خدا ﷺ و پس از آن در تاریخ اسلام، محور اصلی مباحث بود. پرداختن به مغازی، علاوه بر زندگی پیامبر ﷺ، باعث شد تا مکتب اهل حدیث یا مکتب مدینه را مکتب مغازی نیز بنامند (همان، ۱۳۸۰: ۴۸).

در قرن دوم هجری، پژوهش‌ها در سیره نبوی به خارج از مدینه یعنی یمن، عراق و شام کشیده شد. هرچند آثار کمی از آنها باقی مانده است، با این حال گسترش سیره‌نگاری در خارج مدینه نشانه فراگیری این حوزه از پژوهش‌های تاریخی است (دوری، ۱۴۲۰: ۳۷).

ابن سعد (متوفای ۲۳۰) کتاب طبقات را به رشته تحریر درآورد. او در ابتدای این کتاب، سیره رسول خدا ﷺ را در نظم‌های جدید و اسنادی کامل‌تر ارائه کرده و به شمایل، فضایل و دلائل نبوت پیامبر ﷺ نیز پرداخته است. از این رو، می‌توان گفت ابن سعد خطوط نهایی سیره‌نویسی را ترسیم کرد (دوری، ۱۴۲۰: ۳۷).

از قرن سوم به بعد، برخی از مؤلفان مانند ابن ابی‌شیبیه (متوفای ۲۳۵)، بخاری (متوفای ۲۵۶)، بلاذری (متوفای ۲۷۹) و طبری (متوفای ۳۱۰)، در ضمن مجموعه‌های حدیثی، رجال‌های و تاریخ‌های عمومی و محلی، بخش‌هایی را به سیره حضرت محمد ﷺ اختصاص دادند. در قرون بعد، آثار مستقلی درباره سیره، با پرداختن به جنبه‌هایی خاص از شخصیت پیامبر ﷺ نوشته شد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به الشرائع النبویه از ترمذی (متوفای ۲۷۹)، اخلاق النبوی و آداب از ابوشیخ اصفهانی (متوفای ۳۶۹) و الروض الأئف از عبدالرحمن سهیلی (متوفای ۷۵۱) اشاره کرد (ناجی، ۱۳۸۹: ۱۶).

با گذشت زمان و نگارش کتاب‌های متعدد و گوناگون در سیره، این نوشته‌ها کم‌کم از چارچوب واقعیات و روایت‌های ساده خارج شد. به طوری که این آثار در اثر انگیزه‌های دینی و اجتماعی، به مرور شکلی آمیخته با غلو به خود گرفت. از قرن سوم هجری به تدریج مسیر جدیدی در تاریخ‌نویسی رسول خدا ﷺ باز شد و کتاب‌هایی به نگارش درآمدند که تحت تأثیر اوضاع سیاسی، دینی و مباحث کلامی روز، به اثبات پیامبری حضرت محمد ﷺ پرداختند. این مهم با تأکید بر معجزات ایشان صورت پذیرفت. این آثار در مواجهه با شبهاتی که درباره نبوت پیامبر ﷺ در جامعه اسلامی به وجود آمده بود، پدید آمدند. نویسندگان با مرور سیره‌های به نگارش درآمده، هر جا نشانی از اعجاز و نبوت یافتند، آن را گردآوری کردند و کتاب‌هایی نوشته شد که چهره‌ای غیرطبیعی و فرابشری از آن حضرت ترسیم می‌کرد (جعفریان، ۱۳۸۵: ۷۷-۷۸). نویسندگان این کتاب‌ها نه تنها محدثان، بلکه متکلمان معتزلی، داعیان فیلسوف و اسماعیلی، امامان زیدی و برخی اشخاص برجسته در علم و فلسفه بودند. آنان با توجه به فرقه و مسلکی که به آن تعلق داشتند و با توجه به آموزه‌های فکری و مذهبی خویش به نوشتن این آثار پرداختند.

این‌گونه آثار در جغرافیای خاصی به نگارش درنیامده است. چنان‌که با نگاه به شرح حال نویسندگان آنها، روشن می‌شود که در دورترین سرزمین‌های اسلامی مانند چاچ، ابوبکر قفال چاچی و در نسف، مستغفری کتاب‌هایی در این زمینه تألیف کردند. در غرب جهان اسلام نیز کسانی مانند ابن دلهاث اندلسی و ابن فطیس دلائل النبوه‌هایی نوشته‌اند. در بغداد، موصل،

کوفه، بصره، قم، قزوین، ری، اصفهان و در هرات، عکا و دمشق نیز نویسندگان به نگارش این آثار دست زده‌اند. دلیل این پراکندگی چیزی نیست جز اینکه نبردهای اندیشه‌ای در همه سرزمین‌های اسلامی وجود داشته‌است. به ویژه مراکز مهم فرهنگی مانند قرطبه، بغداد و توابع آن و برخی از شهرهای ایران به دلیل سابقه اندیشه‌ای آن، بیشتر شاهد چنین جریانی در سیره‌نویسی بوده‌اند.

زمینه‌های شکل‌گیری کتاب‌های دلائل النبوه

با گسترش سرزمین‌های اسلامی، جامعه اسلامی نیز گسترده شد و اقوام و ملل گوناگونی تحت لوای اسلام قرار گرفتند. در نتیجه، افکار و اندیشه‌های گوناگونی به قلمرو اسلامی وارد شد. سرزمین‌هایی که در تفکر و تعمق سابقه‌ای طولانی داشتند، با قرار گرفتن در جامعه جدید و مواجهه با اندیشه‌های نو، نه تنها اندیشه‌های خود را کنار نگذاشتند، بلکه جامعه اسلامی را درگیر افکاری کردند که تکاپوی آن موجب شکل‌گیری رشته‌های گوناگون مانند ملل و نحل شد.

نهضت ترجمه از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ اسلام بود. ترجمه آثار بیگانه از دوره امویان آغاز و در دوره عباسیان به صورت منسجم و فراگیر در علوم گوناگون پی‌گیری شد. کتاب‌هایی در زمینه علوم انسانی، از جمله فلسفه، از زبان یونانی به عربی ترجمه شدند و مسلمانان با فلسفه یونان و شیوه تعقل آن آشنا شدند. بنابراین مسلمانان به تدریج از ایمان ساده و تعبد نخستین فاصله گرفتند. آنان با این نگرش، در آنچه پیش از این بدون قید و شرط پذیرفته بودند، نگرستند و دچار شک و تردید شدند. حاصل این تردیدها پیدایش مذاهب اسلامی و در پی آن شکل‌گیری علم کلام بود (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

مسلمانان با استقبال از این فضا، نه تنها با اهل کتاب، به ویژه یهودیان و مسیحیان، بلکه با کسانی مانند دهریه و زنادقه که اصل توحید، معاد و نبوت را انکار می‌کردند، به مناظره و مجادله پرداختند. مجادلات مسلمانان با اهل کتاب بیشتر براساس دلایل نقلی بود، چون هر دو طرف به توحید و معاد اعتقاد داشتند. اختلاف آنها بر سر مسأله نبوت خاصه یعنی پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود. به جز اهل کتاب، گروه‌های دیگری مانند دهریه، زنادقه و اباحیه نه تنها نبوت، بلکه حتی توحید و معاد را نیز انکار می‌کردند. بنابراین مسلمانان علاوه بر دلایل نقلی از استدلال‌های عقلی نیز برای مواجهه با آنها استفاده می‌کردند (زرین کوب، ۱۳۵۳: ۸۹). در اوایل خلافت عباسی، مشکلات خلفا زمینه را برای نشر آرا، از جمله اندیشه‌های زندیقی،

فراهم کرد. به این ترتیب، به وی ژه در بصره و بغداد شبهاتی مطرح بود. اذهان مسلمانان نسبت به بعضی از مسائل دینی دچار شک و تردید شد. اهمیت این مسئله در حوزه اصول دین بیشتر بود. اصولی که با زیر سؤال رفتن آنها، پایه‌های دین دچار تزلزل می‌شد. در عهد منصور و مهدی، فعالیت‌های زنادقه جدی‌تر و در نتیجه برای حکومت خطرناک‌تر شدند. بنابراین خلفا و اکثرت نشان دادند (زرین کوب، ۱۳۸۴: ۲۵۷). با وجود این اقدامات، ذهن جامعه نسبت به اصول دین دچار تشویش شده بود. برای نمونه استفاده از عقل در امور مختلف، به ویژه در مسائل دینی و اعتقادی، در مواردی به انکار نبوت و معجزات و حتی انکار توحید و در نتیجه کفر و الحاد منجر شد (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۵۱). در دوره مهدی، خلیفه عباسی، زنادقه تحت تعقیب قرار گرفتند. مأمون اگرچه نسبت به اهل کتاب تسامح داشت، در مورد زنادقه این رویه را در پیش نگرفت. برخی از زنادقه، مانند ابن مقفع، مانند براهمه منکر نبوت بودند. استدلال آنها این بود که آنچه انبیاء آورده‌اند، یا با عقل موافق است یا نیست. اگر موافق است، دیگر نیازی به انبیاء نیست، چون اندیشمندان هم می‌توانند آن را درک کنند و اگر گفته‌های آنها منطبق با عقل نباشد قبول آنها جایز نیست. متکلمان اسلامی با این افکار اینگونه مقابله کردند که ممکن است پیامبران چیزی بیاورند که اگرچه عقلانی است، عقل عامه نمی‌تواند حکمت آن را درک کند (زرین کوب، ۱۳۸۴: ۱۰۲-۱۰۵).

در قرآن معجزات زیادی برای پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر نشده و حتی در برخی آیات مانند آیات ۹۰ تا ۹۳ سوره اسراء، به رد معجزه از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره شده است، با این همه مسلمانان حدود دویست معجزه به وی نسبت می‌دادند. عقل‌گرایان سعی کردند این معجزات را تأویل کنند. برای نمونه آنها می‌گفتند در شبی که قرار بود قریش پیامبر صلی الله علیه و آله را بکشند، واقعاً کور نشدند، بلکه از شدت خشم، کینه و حسد چیزی ندیدند. به نظر آنان این ابلیس نبود که کافران را در آن شب کمک می‌کرد، بلکه انسانی شیطان صفت بود. گروه دیگری از مسلمانان، وقوع معجزات را تصدیق می‌کردند، اما در دل به آن اطمینان نداشتند (متز، ۱۳۶۲: ۲۲۹).

این تحولات فکری در اواخر قرن دوم و سراسر قرن سوم هجری، جامعه اسلامی را دگرگون کرد. از این رو، متکلمان، فیلسوفان و محدثان اسلامی کتاب‌هایی در رد چنین افکاری نوشتند؛ مانند ابوحاتم رازی که *أعلام النبوه* را رد افکار و عقاید محمد بن زکریای رازی در رد و انکار نبوت، نوشت. این کتاب در واقع بازتاب مناظره‌ای میان این دو اندیشمند قرن چهارم هجری است که در بار مرداوینج بن زیار در ری صورت گرفته است (بدوی، ۱۳۷۴: ۲/۲۹۳). چنان‌که اشاره شد، حکومت هم با حمایت از نویسندگان، آنها را به نگارش چنین آثاری ترغیب می‌کرد.

چنانکه علی بن ربن طبری احتمالاً به سفارش متوکل عباسی کتاب *الدين والدوله في اثبات النبوه النبي محمد ﷺ* را به نگارش درآورده بود (طبری، ۱۳۹۳: ۲۱۰).

روایات مربوط به معجزات پیامبر اکرم ﷺ که به این آثار راه یافته بود، چهره‌ای اغراق‌گونه و فرابشری از آن حضرت به تصویر کشیده است. چرا که ارائه تصویری الهی، پیامبر ﷺ کمتر در دسترس عموم برای انکار یا سؤال قرار می‌گرفت. بسیاری از کتاب‌های دلائل امروزه موجود نیستند (رک. کوهی، ۱۳۸۹: ۲۱-۲۵).

منابع کتاب‌های دلائل

نویسنده‌های کتاب‌های دلائل برای نگارش کتاب‌های خود از این منابع بهره برده‌اند:

الف) قرآن کریم: در بعضی از آیه‌های قرآن به برخی از معجزات پیامبر اسلام ﷺ مانند «اسراء» و «معراج» اشاره شده است. به معجزه «شق القمر» نیز در ابتدای سوره قمر اشاره شده است. اگر چه در شق القمر مناقشه است و ظاهر آیات نشان از این دارد که این معجزه مربوط به قیامت است اما در کتاب‌های دلائل به عنوان معجزه‌ای برای پیامبر ﷺ برشمرده شده است. خبرهایی از غیب و آنچه در ضمائر و مکنونات قلبی است در شمار معجزات پیامبر ﷺ معرفی شده است.

ب) کتاب‌های حدیثی: این آثار انواع گوناگونی دارند و تعداد زیادی از دلائل نبوت حضرت محمد ﷺ را دربرمی‌گیرند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به باب علامات نبوت در اسلام از کتاب *مناقب از صحیح بخاری*، باب‌های فضائل نسب نبی ﷺ، معجزات نبی ﷺ، توکلش بر خدا و عصمت او در کتاب *فضائل صحیح مسلم* و فصلی از کتاب *سنن ترمذی* در معرفی نشانه‌های نبوت نبی ﷺ، اشاره کرد.

کتاب‌های شرح حال صحابه هم حاوی تعداد زیادی از دلائل نبوت هستند. که از مهم‌ترین آنها می‌توان به *طبقات ابن سعد*، *معجم الصحابه بغوی* (متوفای ۳۱۷)، *معجم الصحابه ابن قانع* (متوفای ۳۵۱)، *الاستیعاب ابن عبدالبر* (متوفای ۴۶۳)، *اسد الغابه ابن اثیر* (متوفای ۶۳۰) و *الاصابه ابن حجر* (متوفای ۸۵۲) اشاره کرد.

ج) کتاب‌های سیره نبوی: این آثار نیز شمار زیادی از دلائل نبوت را دربردارند. چنان‌که ابن حزم ظاهری (متوفای ۴۵۲) در کتابش، *جوامع السیره*، فصلی را به اعلام نبوت اختصاص داده است؛ قاضی عیاض در کتاب *الشفاء بتعریف حقوق المصطفی ﷺ* به بحث در این زمینه پرداخته است. دیگر کتاب‌های سیره هم مطالبی در باب دلائل نبوت محمد ﷺ آورده‌اند.

د) **کتاب الخصائص**: نوع دیگری از تألیفات در سیره نبوی کتب الخصائص هستند. این کتاب‌ها، نیز شامل تعدادی از دلائل نبوت هستند. که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کتاب الخصائص از ابن سبع سبتی، لفظ المکرم فی خصائص النبی المعظم صلی الله علیه و آله اثر قطب‌الدین خیضری و خصائص الکبری از جلال‌الدین سیوطی اشاره کرد.

ه) **کتاب‌های عقاید و اعجاز قرآن**: کتاب‌های عقاید و علم کلام در مبحث اثبات نبوت محمد صلی الله علیه و آله، تعداد زیادی از دلائل نبوت را دربردارند. شاید مفصل‌ترین کتاب در این زمینه، تثبیت دلائل النبوه قاضی عبدالجبار همدانی است. هدف کتاب‌های اعجاز، اثبات معجزه بودن قرآن کریم به عنوان بزرگ‌ترین دلائل نبوت محمد صلی الله علیه و آله است (کوهی، ۱۳۸۹: ۲۷-۲۸).

شاخصه‌های دلائل نگاری نبوی صلی الله علیه و آله

نویسندگان آثار دلائل با گرایش به مکتب‌های کلامی گوناگون کتاب‌های خود را نوشته‌اند. نویسندگان شیعه و سنی هر یک شیوه‌ای متفاوت را در پیش گرفته‌اند که تا حدود زیادی به مکتب کلامی آنها بستگی داشت. بیشتر نویسندگان اهل تسنن که از محدثان مشهور بودند، شیوه حدیثی و روایی را برگزیده‌اند. آنان با ارائه فهرست نسبتاً کاملی از سلسله سند، روایات بسیاری ارائه داده‌اند. چنین آثاری بیشتر در سده‌های چهارم و پنجم هجری به وجود آمدند. نکته‌ای که باید به آن توجه شود، این است که در این کتاب‌ها مباحث ارهاصات و معجزات از هم تفکیک نشده‌است و تمام حوادث به عنوان معجزات و دلائل آمده است. در این کتاب‌ها نشانه‌های پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله در سه مقوله ارائه شده است:

أعلام و پیشگویی‌های ادیان دیگر درباره ظهور حضرت محمد صلی الله علیه و آله: بشارت انبیاء پیشین - بر طبق تقسیم‌بندی ابوحاتم رازی - از علائم مهمی است که در بیشتر کتاب‌های دلائل مورد توجه قرار گرفته و از مهم‌ترین نشانه‌های پیامبری محمد صلی الله علیه و آله معرفی شده است. علی بن ربن طبری (متوفای ۲۴۷) طیب یهودی الاصل درباره متوکل عباسی در کتاب *الدین والدوله فی اثبات نبوت النبی محمد صلی الله علیه و آله* (قفطی، ۱۳۴۷: ۲۵۹)، به طور مشخص به این بحث پرداخته و بشارت‌ها و پیشگویی‌های پیامبران گذشته را درباره حضرت محمد صلی الله علیه و آله ذکر کرده است. در واقع بخش عمده کتاب ابن ربن طبری به این پیشگویی‌ها اختصاص یافته است. به نظر می‌رسد منبع اصلی او هم تورات بوده است. ابوحاتم رازی از بزرگان و داعیان معروف اسماعیلی در قرن سوم و چهارم هجری نیز در ضمن مباحث دلائل نگاری به بشارت انبیای پیشین درباره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پرداخته است (رازی، ۱۳۹۷: ۱۹۵-۱۹۸). مؤید زیدی (۳۳۳-۴۱۱ هجری) از ائمه

زیدی در قرن چهارم و پنجم هجری نیز یک بخش از کتاب اثبات نبوت النبی محمد ﷺ، به پیشگویی‌های سایر ادیان درباره آمدن پیامبر اسلام ﷺ اختصاص داده است. در دلائل النبوه اثر ابونعیم اصفهانی (۳۳۶-۴۳۰ هجری) از محدثان مشهور قرن چهارم و پنجم، أعلام النبوه به قلم ماوردی (۳۶۴-۴۵۰ هجری) قاضی القضاة مشهور بغداد و نیز دلائل النبوه اثر ابوالقاسم تیمی اصفهانی ملقب به ابن جوزی (۴۵۷-۵۳۵ هجری)، نیز به صورت گذرا پیشگویی‌های انبیای پیشین و اشخاص دیگر همچون کاهنان مطرح شده است. در کتاب شرف النبی اثر ابوسعید خرقوسی از محدثان مطرح قرن چهارم هجری، نیز به پیشگویی‌های کاهنان به داستان سطیح کاهن اشاره شده است.

ارهاصات، هوائف و هواجس: ارهاص در اصطلاح متکلمان، حوادث خارق العاده یا شگفتی است که در آستانه یا زمان تولد تا پیش از بعثت انبیا، برای فراهم ساختن بستر و زمینه نبوت ایشان به وقوع می‌پیوندد. تفاوت ارهاص با معجزه در این است که ارهاص، پیش از زمان دعوت و بدون تحدی (مبارزه طلبی) است (طوسی، ۱۴۵۰: ۳۷۳). هواجس عبارت از الهاماتی است که برای بعضی از افراد رخ داده و آنها پیش از بعثت و در برخی موارد، پیش از ولادت پیامبر ﷺ به وی ایمان آورده‌اند (دانشنامه سیره نبوی، ۱۳۸۹: ۴۰-۴۱). هوائف و هواجس کمتر، اما ارهاصات به وفور در کتب دلائل به چشم می‌خورد. تفاوت آنها با معجزه در این است که معجزات پیامبر ﷺ بعد از ادعای نبوت صورت می‌گیرد. در حالی که ارهاصات و هواجس مربوط به پیش از بعثت است. ارهاصات ذکر شده درباره پیامبر ﷺ را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف- اتفاقاتی که در آستانه ولادت پیامبر ﷺ روی داد.

ب- حوادثی که هنگام ولادت پیامبر ﷺ به وقوع پیوست.

ج- وقایعی که پس از تولد تا پیش از بعثت پیامبر ﷺ رخ داد.

علامه حلی برخی ارهاصاتی را که پیش و در زمان تولد پیامبر ﷺ و نیز در کودکی ایشان به وقوع پیوست، ذکر کرده است. از مهم‌ترین این ارهاصات می‌توان به نابودی سپاه فیل، شکاف برداشتن ایوان کسری، خشک شدن دریاچه ساوه، خاموش شدن آتشکده فارس، سایه افکندن ابر بر سر پیامبر ﷺ در کودکی و حرکت آن با او و سلام کردن سنگ‌ها بر ایشان پیش از بعثت اشاره کرد (حلی، بی تا: ۴۹۱-۴۹۲).

ارهاصات، بیشتر مورد توجه محدثان قرار گرفته است. به طوری که ابوحاتم در اعلام النبوه به معجزات مربوط به زمان تولد و دوران کودکی پیامبر ﷺ، پرداخته است. او همچنین به

حوادثی از قبیل خشک شدن دریاچه ساوه توجه کرده است. ابونعیم اصفهانی در دلائل النبوه و نیز ابوسعید خرقوشی در شرف النبی نیز به این مباحث توجه کرده‌اند. مشروح‌ترین اخبار در زمینه ارهاصات و معجزات زمان کودکی حضرت محمد ﷺ را می‌توان در کتاب *دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه ابوبکر بیهقی* (متوفای ۴۵۸) یافت. کتاب بیهقی اگرچه در زمره دلائل نگاری به شمار می‌رود اما به دلیل رویکرد آن، جزو منابع تاریخ اسلام نیز به شمار می‌آید. کتاب او بیشتر از همه آثار دلائل به کتب تاریخی نزدیک است و تنها تفاوت عمده آن با آثار تاریخی این است که در ضمن حوادث، به برخی معجزات پیامبر ﷺ اشاره کرده و آنها را به طور مفصل شرح داده است. ابوالقاسم تیمی نیز در *دلائل النبوه* خود به ارهاصات پرداخته است (بیهقی، ۱۴۰۵: ۱/ ۱۳۵-۱۴۱).

معجزات: اموری خارق‌العاده که خداوند برای اثبات پیامبری هر یک از انبیاء در مقابل منکران و دیگر مردم، در اختیارشان قرار داده است. معجزه فعلی است که مردم از انجام آن عاجز باشند. واژه معجزه از مصدر اعجاز، از ریشه ثلاثی مجرد «عجز» و به معنای ضعف و ناتوانی است (احمدبن فارس، بی‌تا: ۲۲۳). تیمی اصفهانی می‌نویسد: معجزه اسم فاعل مأخوذ از عجز در مقابل توانایی است. لفظ معجزات در کتاب و سنت نیامده و به جای آن واژه آیت، بینه و برهان ذکر شده است. آیت در لغت به معنی نشانه، بینه به معنی نشانه واضح و برهان به معنی حجت و دلیل است (تیمی، ۱۴۱۲: ۷۳-۷۵). بر طبق آیات قرآن به جز قرآن، معجزات دیگری مانند شق القمر نیز به پیامبر ﷺ نسبت داده شده است. در همه آثار دلائل نگاری در سیره پیامبر ﷺ به چنین معجزه‌هایی به عنوان معجزات اصلی ایشان اشاره شده است. از دیگر معجزات می‌توان به سخن گفتن حیوانات با پیامبر ﷺ، برکت دادن به آب و غذا توسط ایشان، آگاهی از غیب، سجده کردن درخت و سنگ بر پیامبر و مانند اینها اشاره کرد.

نویسندگان کتاب‌های دلائل بسته به نوع مکتب کلامی‌شان به طور متفاوت به معجزات پیامبر ﷺ پرداخته‌اند. قاضی عبدالجبار همدانی (۳۵۹-۴۱۵ هجری) از ائمه معتزلی در کتابش *تشبیه دلائل النبوه* به معجزات پیش از بعثت اعتنایی نمی‌کند و تنها معجزات پس از بعثت را مورد توجه قرار می‌دهد. بنابراین عملاً یک بخش از شاخصه‌های دلائل نگاری؛ پیشگویی‌های بزرگان و ادیان دیگر و نیز ارهاصات، که در کتاب‌های دیگر به وفور به چشم می‌خورد در کتاب او جایی ندارد و صرفاً معجزاتی مانند شق القمر، لیلہ الاسری، فروریختن ستارگان مکه و مانند اینها که در قرآن و سنت به آن اشاره شده مورد قبول او هستند. قاضی عبدالجبار آیاتی از قرآن را که در آن خبری از آینده داده شده به طور مفصل شرح و بررسی کرده است (همدانی، بی‌تا:

علی بن ربن طبری در بخش معجزات تنها به دو ویژگی برجسته از پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخته است؛ قرآن به عنوان معجزه اصلی و اخباری که وی از غیب می داد. فریابی کتاب *دلائل النبوه* معه را در سه موضوع نزدیک به هم یعنی برکت دادن حضرت محمد صلی الله علیه و آله به آب، غذا و حیوانات نوشته است. در واقع فریابی به دعاهای مستجاب شده رسول خدا صلی الله علیه و آله پرداخته است (فریابی، ۱۹۵۴: ۲۶، ۶۱، ۷۰). ابوسعید خرگوشی نیز در *شرف النبی* به طور مفصل به خصوصیات، شرف‌ها، معجزات، نسب و معرفی خانوادگی، کارهایی که پیامبر صلی الله علیه و آله انجام داده و در واقع به همه اموری که به آن حضرت مربوط می شد، پرداخته است. سخن گفتن حیوانات، برکت دادن حضرت محمد صلی الله علیه و آله به آب و غذا و پیشگویی از آینده، رویدادهای مربوط به پیش از تولد و بعثت که خبر از آمدن وی داده‌اند و معجزات دیگری هم چون معراج در این کتاب مورد توجه قرار گرفته است (خرگوشی، ۱۳۶۱: ۱۳۳-۱۵۶). مؤید زیدی به طور گسترده به بحث قرآن و کیفیت آن پرداخته و با تأکید ویژه بر این معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله و اثبات آن از جنبه‌های گوناگون به اثبات پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله می پردازد. او همچنین به برخی معجزات حسی پیامبر صلی الله علیه و آله نیز پرداخته است (زیدی، بی تا: ۴۵-۴۹).

ابونعیم اصفهانی به سبک محدثین، در کتاب *دلائل* خود حجم زیادی از روایات مربوط به معجزات و نشانه‌های پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به همراه سلسله اسناد آنها گرد آورده است. پیشگویی‌ها در مورد بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله، گواهی اجنه نسبت به پیامبری او، سخن گفتن گرگ و آهو و اسلام آوردن درختان و سنگ‌ها و جوشیدن آب از بین انگلستان حضرت محمد صلی الله علیه و آله، پیشگویی‌های وی که بعدها به وقوع پیوست و مهم‌تر از همه قرآن، از جمله معجزاتی است که مورد توجه ابونعیم قرار گرفته است (اصفهانی، ۱۳۹۷: ۶۹، ۱۴۹، ۱۸۲). ماوردی اولین برهان در اثبات پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله یعنی قرآن را مورد بررسی قرار داده است (ماوردی، ۱۴۱۴: ۱۲۳). در ادامه به معجزه عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی حفظ او از کید و مکر دشمن و نیز معجزاتی که در افعال و کارهای محمد صلی الله علیه و آله ظاهر می شد مثل برکت دادن او به غذا و شفا بخشی‌های او، جوشیدن چشمه‌ها یا پر آب شدن چاه‌ها، اخباری که از غیب می داد، دعاهای مستجاب شده، پیشگویی‌های او از حوادث آینده، سجده کردن چهارپایان بر او و بشارت انبیای پیشین، پرداخته است.

در کتاب تیمی نیز معجزات پیش از تولد، زمان تولد و دوره کودکی پیامبر صلی الله علیه و آله، شق القمر، تسبیح غذا و جاری شدن آب از بین انگلستان وی، سجده درخت و سنگ بر رسول خدا صلی الله علیه و آله،

اخباری درباره آزار مشرکان نسبت به ایشان و آیاتی که در این زمینه نازل شد، روایت‌هایی از استجاب دعاى رسول اکرم صلی الله علیه و آله، روایت‌هایی از پیشگویی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله که به واقعیت پیوست، بشارت حضرت محمد صلی الله علیه و آله در کتاب‌های مقدس و دیگر نشانه‌ها، اعلام و معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح شده است.

نتیجه

تاریخنگاری اسلامی از ابتدا بر مبنای معرفی شخصیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله به عنوان آورنده دین اسلام شکل گرفت. در اواخر قرن دوم هجری شکل جدیدی از تاریخنگاری با نام دلائل نگاری پدید آمد. موضوع اصلی دلائل نگاری‌ها معرفی معجزات و نشانه‌های پیامبری بود. شرایط فکری جامعه اسلامی در قرن دوم در اثر فتوحات و نهضت ترجمه موجب پیدایش دلائل نگاری شده بود. اندیشمندان مسلمان از هر صنف و فرقه‌ای دست به نگارش چنین کتاب‌هایی زدند که به اثبات نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌پرداخت. مضامین این آثار شامل معجزات، ارهاصات و پیشگویی‌های ادیان و شخصیت‌های تاریخی بود. در میان کتاب‌های باقیمانده از دلائل نگاری نبوی کتاب‌هایی از نویسندگان معتزلی، زیدی، اسماعیلی و نیز چندین کتاب از محدثان بزرگ به چشم می‌خورد. شیوه پرداختن به موضوع، به مکتب کلامی یا حدیثی نویسندگان، بستگی داشته است. نویسندگان معتزلی بر مبنای اعتقادات معتزلی تنها به معجزات پس از بعثت پرداخته‌اند در حالی که نویسندگان زیدی بر مبنای اعتقادات زیدی، قرآن را به عنوان مهم‌ترین معجزه مورد بررسی قرار داده‌اند. از طرفی محدثان نیز با گردآوری اخبار و احادیث متنوع در مورد معجزات منتسب به پیامبر صلی الله علیه و آله، مجموعه متنوعی از معجزات آن حضرت را تدوین کرده‌اند.

منابع

- آیینہ وند، صادق (۱۳۷۷)، علم تاریخ درگستره تمدن اسلامی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابوحاتم رازی (۱۳۹۷)، احمد، اعلام النبوه، کوشش صلاح صاوی و غلامرضا اعوانی، با مقدمه انگلیسی حسین نصر، تهران، انجمن شاهنشاهی فلاسفه ایران.
- ابو نعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (۱۳۹۷)، دلائل النبوه، حیدرآباد، دایره المعارف عثمانی.
- احمد بن فارس (بی تا)، مقاییس اللغه، تحقیق محمد هارون، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- بدوی، عبدالرحمن (۱۳۷۴)، تاریخ اندیشه های کلامی در اسلام، ترجمه حسین صابری، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۵)، دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- تیمی اصفهانی، اسماعیل بن محمد (۱۴۱۲)، دلائل النبوه، تحقیق مساعد بن سلیمان راشد الحمید، ریاض، دارالعاصمه.
- ثابت عبدالحمید، ملاک محمد (۲۰۱۶)، «دراسه فی کتب دلائل و الشمائل»، مجله الجامعه العراقیه، العدد ۳۵ (جزء الثانی).
- جعفریان، رسول (۱۳۷۶)، منابع تاریخ اسلام، قم، انصاریان.
- _____ (۱۳۸۵)، تاریخ سیاسی اسلام، تهران، دلیل ما.
- حلّی، جمال الدین (بی تا)، کشف المراد، شرح تجرید الاعتقاد، ترجمه و شرح فارسی ابوالحسن شعرانی، تهران، اسلامیه.
- خانجانی، قاسم (۱۳۸۱)، «دلائل نگاری در سیره نبوی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۶۱ و ۶۲، آبان و آذر.
- خرگوشی، ابوسعید واعظ (۱۳۶۱)، شرف النبوی، ترجمه نجم الدین محمود راوندی، تهران، بابک.
- دانشنامه سیره نبوی، گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (۱۳۸۹)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دوری، عبدالعزیز (۱۴۲۰)، بحث فی نشأه علم التاریخ عند العرب، ریاض، مکتبه العبیکان.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۳)، دو قرن سکوت، [بی جا]، جاویدان.

- _____ (۱۳۸۴)، کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر.
- زیدی، احمد بن حسین (بی‌تا)، اثبات النبوه النبوی، تحقیق خلیل احمد ابراهیم الحاج، [بی‌جا]، مکتبه العلمیه.
- سجادی، صادق و هادی عالم‌زاده (۱۳۸۰)، تاریخ‌نگاری در اسلام، تهران، سمت.
- سخاوی، محمد بن عبدالرحمن (۱۴۱۳)، الاعلان بالتوبیخ لمن ذم التاريخ، بیروت، دارالجلیل.
- طبری، علی بن سهل (۱۳۹۳)، الدین والدوله فی اثبات نبوه النبوی، بیروت، دارالآفاق الجدیده.
- طوسی، ابوعلی حسن (خواجه نظام‌الملک) (۱۴۵۰)، سیرالملوک؛ سیاست‌نامه، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- عبدالجبار همدانی، قاضی بن حسن اسدآبادی (بی‌تا)، تثبیت دلائل النبوه، بیروت، دارالعریبه.
- فریابی، محمد بن جعفر (۱۹۵۴)، دلائل النبوه و معه، تصحیح محمود بن محمد حداد، ریاض، دارالطیبه.
- قفطی، علی بن یوسف (۱۳۴۷)، تاریخ الحکما، تهران، گنجینه تاریخ و تمدن.
- کوهی، مهناز (۱۳۸۹)، «تاریخ‌نگاری دلائل در سیره رسول خدا ﷺ»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، راهنما: محمدعلی چلونگر، اصغرفروغی ابری، مشاور: اصغر منتظرالقائم، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- ماوردی، علی بن محمد (۱۴۱۴)، اعلام النبوه، تحقیق خالد عبدالرحمن عک، بیروت، دارالفنائه.
- متز، آدام (۱۳۶۲)، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر.
- مطهری، حمیدرضا (۱۳۸۷)، زندقه در سده‌های نخستین اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ناجی، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۹)، تاریخ و تاریخ‌نگاری، ترجمه شهناز رازپوش، تهران، کتاب مرجع.